

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸
صفحات ۶۶۷-۶۴۱ (مقاله پژوهشی)

دیدگاه «اطاعت زوجه بر اساس معیار معروف» از منظر فقه امامیه

بی بی رحیمه ابراهیمی^{۱*}، اعظم امینی^۲

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹)

چکیده

بر اساس آیه شریفه «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» زوجه حقوقی بر عهده زوج دارد؛ همانند وظایفی که نسبت به وی بر دوش می‌کشد. فقیهان درباره جزئیات این حقوق و تکالیف، بر اساس ادله نقلی و عقلی، نظریات متفاوتی را مطرح کرده‌اند. این نوشتار اظهارات ایشان در حوزه وظایف زن در قبال شوهر را، در پنج دیدگاه تحت عناوین «وجوب اطاعت مطلق»، «وجوب اطاعت در موارد محصور در روایات»، «وجوب اطاعت در استمناعات و خروج از منزل»، «وجوب اطاعت در استمتاع» و «تعیین حدود اطاعت بر پایه معیار منافات با حقوق زوج» گردآوری و نقد کرده است. سپس با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده و نقد و ارزیابی آنها و با عنایت به زوایای مغفول مانده از ادله، دیدگاه «اطاعت بر اساس معیار معروف» را تبیین خواهیم کرد. تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه اسنادی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

استمتاع، اطاعت زوج، اطاعت مطلق، خروج از منزل.

مقدمه

دیدگاه‌های مطرح از سوی فقیهان در زمینه اطاعت زوجه، از دیدگاه حداکثری «وجوب اطاعت مطلق» تا دیدگاه حداقلی «وجوب اطاعت در استمتاع» در نوسان است. بر اساس تتبع به عمل آمده در متون فقهی، می‌توان ادعا کرد که در این زمینه حداقل پنج دیدگاه مطرح است که تمامی این دیدگاه‌ها بر اساس چند روایت با مضامین مشابه پدید آمده‌اند. فهم‌های گوناگون از آنها به ضمیمه برخی اصول و کلیاتی که از عمومات تحصیل می‌شود، سبب تعدد نظریات شده‌اند. لذا شایسته است قبل از ورود به دیدگاه‌ها، تعدادی از آنها را که از نظر سندی معتبرند و در مقاله پیش‌رو به آنها استناد شده است، مطرح شوند.

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعْنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْغُضَبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۷).

عبارت «أن تطيعه و لاتعصیه» ظهور در عمومیت و اطلاق دارد. صرف توجه به این عبارت و بدون در نظر گرفتن سایر ادله، لزوم اطاعت همه‌جانبه زن از شوهر و عدم نافرمانی از وی در هر زمینه‌ای، در ظاهر کلام هویداست.

روایت دوم: عَنْ عَمْرِو بْنِ جُبَيْرٍ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ قَالَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ فَخَبِّرْنِي عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْْنَى تَطَوُّعًا وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ عَلَيْهَا أَنْ تَطْيِبَ بِأَطْيَبِ طَيْبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيِّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً وَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ حُقُوقُهُ عَلَيْهَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۸).

این روایت نیز در ظاهر خود، بیانگر لزوم اطاعت زن از شوهر است.

روایت سوم: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «أَتَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَتْ

مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ أَنْ تُجِيبَهُ إِلَى حَاجَتِهِ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى قَتَبٍ وَلَا تُعْطَى شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ فَعَلَتْ فَعَلَيْهَا الْوِزْرُ وَ لَهُ الْأَجْرُ وَلَا تَبِيتَ لَيْلَةً وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا تَزَوَّجْتُ زَوْجاً أَبَدًا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۸).

در نقل فوق عبارت «ان تجيبه الي حاجته» لزوم اطاعت زوج و عبارت «و ان كانت على قتب» لزوم پاسخگویی در هر زمان را مطرح کرده است.

روایت چهارم: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا أَمْرٌ فِي عَيْتِقٍ وَ لَا صَدَقَةٍ وَ لَا تَدْبِيرٍ وَ لَا هَيْبَةٍ وَ لَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بِرِّ وَالِدَيْهَا أَوْ صِلَةِ قَرَابَتِهَا (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۷۷).

بر اساس این روایت زوجه، اختیار تصمیم‌گیری در آزاد کردن بنده، صدقه، تدبیر، هبه و نذر از اموال خودش را ندارد و به اذن همسر نیاز دارد.

دلالت روایات و نقد برداشت‌های صورت گرفته از آن، به قسمت نقد و بررسی نظریات موکول می‌شود.

دیدگاه «وجوب اطاعت مطلق»

تبیین دیدگاه «وجوب اطاعت مطلق»

مطابق دیدگاه نخست، زن باید در همه امور با اذن همسر حرکت و امر و نهی او را امتثال کند. این نظر بر اساس دو مبنا شکل گرفته است. مبنای اول روایاتی هستند که عمده آنها ذکر شد و مهم‌ترین مستند، روایت محمد بن مسلم است که عبارت «ان تطيعه و لاتعصيه» را به صورت مطلق در آن دیده می‌شود. شیخ مفید در «احکام النساء» با عبارت «و علی المرأة ان تطيع زوجها و لا تعصيه إلا فيما حضره الله تعالی» و بیان روایاتی، از جمله اینکه اگر به کسی امر می‌کردم دیگری را سجده کند، به زن فرمان می‌دادم به شوهر خود سجده کند؛ معتقد به وجوب اطاعت مطلق است (مفید، ۱۴۱۳: ۳). محقق اردبیلی نیز در باب حقوق زوج بر زوجه می‌نویسد: «زنان باید خود را در اختیار همسرانشان قرار دهند و آنان

را از خودشان منع نکنند، برای غیر همسرانشان زینت نکنند، بدون اذن آنان از خانه خارج نشوند؛ بلکه کلاً از اذن آنها خارج نشوند، حتی روزه بدون اذن نگیرند و ...» (محقق اردبیلی، بی تا: ۵۹۳). عبارت «بلکه کلاً از اذن آنها خارج نشوند» نشانه‌ای بر اعتقاد به اطاعت مطلق است.

بر اساس این نظر، اذن دادن شوهر به زن در مورد زیارت خانواده‌اش، عیادت بیماران آنان، حضور بر بالین محتضر از آنان، به دلیل جلوگیری از ایجاد وحشت و قطع رحم، مستحب قلمداد شده است^۱ (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۲۸۹).

برخی از فقها، مانند: صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۱۴۷) و امام خمینی، تصریحی در این زمینه ندارند، اما در مقام بیان حقوق زوج بر زوجه، روایت «محمد بن مسلم» و مانند آن را بیان و بدون هیچ گونه توضیحی عبور می‌کنند. اگرچه از این اجمال نمی‌توان، دیدگاه اطاعت مطلق را فهمید؛ به نظر می‌رسد این گروه، اصل را بر وجوب اطاعت گذاشته و مواردی را استثنا کرده‌اند. به عنوان نمونه امام خمینی در تحریر بیان کرده‌اند: «و من حقه علیها أن تطیعه و لا تعصیه و لا تخرج من بیتها إلا باذنه و لو إلى أهلها حتی لعیاده والدها أو فی عزائه، بل ورد أن لیس لها أمر مع زوجها فی صدقة و لا هبة و لا نذر فی مالها إلا باذنه إلا فی حج أو زکاة أو بر والديها أو صلته قرابتها» (خمینی، بی تا، ج ۲: ۳۰۳) و اذن دادن شوهر به همسر برای حضور بر بالین والدینش را مستحب می‌داند و یادآور می‌شود که زوج حق منع از عیادت آنان را دارد. (خمینی، بی تا، ج ۲: ۳۰۴ و ۳۰۵). این عبارات، موافقت ایشان را با اطاعت مطلق تداعی می‌کند. اما در ذیل نشوز، اطاعت زن از شوهر در زمینه درخواست‌های غیرمرتبط به استمتاع، مانند جارو کردن، خیاطی، آشپزی و کارهای منزل را واجب نمی‌شمارند (خمینی، بی تا، ج ۲: ۳۰۵). این همان اتفاقی است که

۱. مرحوم فیض در بیان حقوق زوجه، عبارات روایت را آورده است؛ از این رو شاید شمارش ایشان در ردیف قائلان به این نظر چندان صحیح نباشد، اما بحرانی در شرح این کلام ایشان نوشته است: «کان له منعها فیما سوی الواجب علیها» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۱۳ و ۱۲) در مواردی ذیل مسئله استجاب اذن، دیدگاه اطاعت مطلق نقد شده است (لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۷۹) این نکته شاهدهی است بر اینکه قائلان به این حکم با این دیدگاه همسویند.

در «وسیله النجاه» هم روی داده است. (اصفهانی، ۱۴۲۲: ۷۵۵) لذا در صورتی که اعتقاد به اطاعت مطلق استفاده نشود؛ این احتمال که اصل بر وجوب اطاعت است، مگر مواردی که با دلیل خارج شود، از کلمات ایشان قابل استفاده است. این نظر هم پذیرفتنی نیست.

مبنای دوم، شریفه «الرجال قوامون علی النساء» و بر اساس دریافت معنای «ولایت» از واژه «قوام» است. حسینی تهرانی نگاشت: «ولایتی که مردان بر زنان به مقتضای آیه شریفه دارند، ولایتی تکوینی و فطری است؛ زیرا مرد عقلی قوی تر از قوه عاقله زن دارد؛ از این رو زن نسبت به او ضعیف است و تحت هیمنه، اداره و محافظت اوست و مرد مسئول محافظت از زن است؛ از این رو مرد، آمر و زن مأمور است. مرد ناهی و زن منهی است و بر زن واجب است که در همه امور از مرد اطاعت کند» (۱۴۱۸، ج ۳: ۷۵).

نقد و بررسی دیدگاه «وجوب اطاعت مطلق»

هر دو مبنای موجود، نقدشدنی هستند. درباره مبنای اول باید گفت، از آنجا که مهم ترین مستند، روایت محمدبن مسلم است؛ نقدهای فقیهان پیرامون این دیدگاه نیز معمولاً در ذیل همین روایت یا برداشتهای صورت گرفته از آن ایراد شده است.

فاضل لنکرانی در نقد این دیدگاه نوشته است: «اطاعت مطلق از زوج به گونه ای که وی حق امر و نهی در نشستن و ایستادن و حرکت و سکون داشته باشد و این امور بر زن واجب گردد، واضح الفساد است» (لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۷۹ و ۴۸۰).

یکی از محشین تحریرالوسیله نیز معتقد بود: این سخن امام خمینی که فرمود «ان تطیعه و لاتعصیه» و موهم وجوب اطاعت زوج و حرمت عصیان او در تمامی امور است، صحیح نیست؛ زیرا اطاعت زوج در امور مستحبی، مانند امر وی به نماز نافله، روزه یا صدقه مستحبی ضرورتاً واجب نیست، چه رسد در امور مباح. وی این مسئله را از ضروریات واضح بین مسلمانان دانسته، سیره قطعی متشرعه را بر آن قائم می داند، بلکه آن را از مسلمات مرتکز در اذهان می شمارد و به دلیل وجود چنین قرینه لبی ارتکازی، برای روایاتی که بر وجوب اطاعت مطلق دلالت دارند، ظهوری منعقد نمی داند. وی لزوم اطاعت مطلق را مستلزم استثنای مستهجن دانسته است و می نویسد این توهم که اصل بر وجوب

اطاعت زوج است و عدم وجوب نیازمند دلیل است، صحیح نیست و عکس آن پذیرفتنی است (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۱۹ و ۲۰).

برخی نیز با توجه به استثنائات قطعی وارد بر وجوب اطاعت، مانند خواسته‌های متضمن ضرر دینی یا دنیوی شوهر (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵: ۲۰۰) یا مواردی مانند شستن لباس و پختن نان (خوانساری، ۱۳۱۱، ج ۴: ۴۳۵) از قبول این دیدگاه سر باز زده‌اند.

نتیجه آنکه این روایات دلیل وجوب اطاعت مطلق نیست؛ اما احتمالاتی درباره دلالت این روایات مطرح شده است. یک آنکه اطلاق «طیعه و لاتعصیه» حمل بر استحباب شود؛ زیرا مواردی مثل خدمت بیت و ارضاع ولد به‌طور مسلم بر زن واجب نیست. احتمال دیگر آنکه این دسته روایات از قبیل قضیه فی واقعه به حساب آید. به دلیل تعابیر خاص موجود در روایات، احتمال می‌رود زنان آن زمان به همسران خود بی‌اعتنایی می‌کردند، لذا حدیث ناظر به همان افراد بوده است و جنبه عمومیت ندارد. سومین احتمال، از بیان وظیفه اخلاقی حکایت می‌کند. در روایت ابی‌بصیر از زن خواسته شده است که حتی اگر شوهر او ظالم بود، او را خشمگین نکند. این بدان معناست که اگر او جفا کرد، تو مدارا کن تا شیرازه خانواده متلاشی نشود (شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۱۷).

خوانساری در جامع‌المدارک (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴: ۴۳۵) نیز معتقد است ظاهر «و إن کان ظالماً» این است که زوج با عدم قیام به حقوق زوجه به او ظلم کند، در این صورت با روایت سفیان بن عیینه: «هر گاه مرد نفقه عیال خود را نپردازد، حق امر و نهی به آنان را ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰۸) در تعارض است. این تعارض، احتمال قضیه اخلاقی بودن را تقویت می‌کند. ایشان احتمال استحباب را نیز به دلیل اشتغال روایات بر حقوق واجب و غیرواجب از نظر دور نداشته‌اند. وی سیره زنان متدین بر عدم التزام به تمام آنچه در این قبیل روایات آمده را گواه دیگری بر عدم وجوب موارد مذکور در این روایات دانسته است.

در نقد مبنای دوم می‌توان گفت که حتی در این فرض که با ازدواج، ولایت ایجاد شود، اطاعت مطلق، واجب نخواهد شد؛ چرا که اطاعت مطلق، تنها شایسته «ولی مطلق» یعنی

خدا، رسول و اولوالامر است که هیچ‌گونه خطایی در آنها راه نمی‌یابد. اطاعت مطلق از فردی که انسان معمولی و دارای امیال و شهوات نفسانی است، کاملاً بی‌پایه و غیرمعقول محسوب می‌شود؛ هرچند این انسان در صنفی قرار گرفته باشد که نسبت به صنف دیگر، از قوت عقلانی بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا این قوت عقلانی به اندازه‌ای نیست که تحت تأثیر هواهای نفسانی نباشد و در نسبت‌سنجی با صنف مقابل هم، به میزانی نیست که بتوان صنف مقابل را مطیع محض او دانست. نمی‌توان از زن انتظار داشت که از هنگام ازدواج، عقل خود را نادیده بگیرد و صرفاً مطیع شوهر باشد.

دیدگاه «وجوب اطاعت در موارد محصور در روایات»

تبیین دیدگاه «وجوب اطاعت در موارد محصور در روایات»

اشکال‌های دیدگاه اطاعت مطلق از سویی و عدم صرف نظر از ظاهر روایات از دیگر سوی، برخی را به پذیرش این دیدگاه سوق داده است. صاحب حدائق آورده‌اند: «ظاهر روایات آن است که موارد مذکور در خبر محمدبن مسلم، بر زوجه واجب است. دلیل آنکه امر به آنها در روایات متفرقه در این باب تکرار شده است. البته مواردی مانند عطر زدن، پوشیدن بهترین لباس‌ها و آشکار کردن زینت، ظاهراً از مستحبات مؤکد بر وی است» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۱۲۱). در مبانی منهاج هم آمده است: «ظاهراً جملات واقع بعد از "ان تطیعه" عطف بیانی بر آن عبارت است، بنابراین ظاهراً آنچه بر زن واجب است، امور مذکور در روایت است» (قمی، ۱۴۲۶، ج ۱۰: ۳۱۹).

نقد و بررسی دیدگاه «وجوب اطاعت در موارد محصور در روایات»

بر این دیدگاه چند اشکال وارد است.

اول آنکه موارد مذکور در خبر اول، عبارتند از تمکین در استمتاع و اینکه روزه مستحبی، صدقه و خروج از منزل بدون اذن زوج نباشد و صاحب حدائق فرمود، موارد مذکور در خبر محمدبن مسلم واجب است؛ اما مواردی که استثنا می‌کند، از خبر عمروبن جبیر عزمی است. از این‌رو احتمالاً روایات دیگری نیز در نظرند. با این فرض هم روایت

مجملی مانند خبر عزر می نمی تواند در نظر باشد؛ زیرا در این روایت وقتی زن از حقوق شوهر سؤال می کند، پیامبر(ص) با عبارت مبهم «اکثر من ذلک» پاسخ می دهند و زن درخواست می کند که برخی از آنها را بیان کنند؛ لذا به صورت اجمالی پاسخ گفته می شود، به علاوه در مقام پاسخ هم مواردی می آید که قطعاً و به اذعان قائلان به این دیدگاه جزو مستحبات هستند و باز در انتهای خبر می فرمایند: حقوق شوهر بیش از این است. لذا این روایت در نظریه ای که «موارد محصور» در روایات را «واجب» می داند، به دلیل «اجمال» و بیان «مستحبات» استفاده شدنی نیست. از طرفی با اعتقاد به این دیدگاه، نوعی تعبد، حاکم خواهد شد؛ چرا که زوجه در صدقه دادن، به اجازه شوهر نیاز خواهد داشت، چون در روایت آمده است و در هبه کردن، به اذن همسر نیاز ندارد، به دلیل آنکه در روایت نیامده است!

دوم آنکه: با توجه به احتمالات پیش گفته در این روایات، ظهور امر در وجوب متزلزل شده است و نمی توان موارد محصور در این روایات را واجب دانست، بلکه شاید مستحب یا صرفاً توصیه ای اخلاقی باشد؛

سوم آنکه: برخی از موارد مذکور، در تعارض با روایات دیگرند. برای مثال در مورد منع از روزه بدون اذن شوهر، روایتی از علی بن جعفر به این مضمون رسیده است که زن بدون اذن همسر می تواند روزه بگیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۵۹). برخی از فقیهان در مقام جمع، نهی موجود در روایات سابق را حمل بر کراهت کرده اند و برخی با نپذیرفتن این جمع، معتقد شده اند که در روزه واجب، اذن ضروری نیست، ولی در روزه مستحب اذن گرفتن واجب است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۳: ۲۰۵) البته حمل دوم، بعید است؛ چرا که در هیچ امر واجبی، به اذن زوج نیاز نیست و کسی چنین سؤالی از امام نمی کند. بنابراین اینکه صاحب حدائق که طرفدار این دیدگاه است، به دلیل تمسک به اطلاق، به چنین حملی متوسل شود، صحیح به نظر نمی رسد. شاید توجه به همین اخبار متعارض است که برخی را معتقد کرد که روزه مستحبی بدون اذن شوهر، در صورتی که با حقوق وی منافات داشته باشد، حرام است (خوانساری، ۱۳۱۱: ۴۶۱؛ لنکرانی، ۱۴۲۶: ۳۳۱). به هر حال این

روایات از نظر دلالتی به گونه‌ای نیستند که گفته شود هر آنچه در آنها آمده، بدون قید و شرط واجب است؛ بلکه در هر مورد باید سایر روایات را هم دید؛ چهارمین نکته، عدم جامعیت و مانعیت دیدگاه است؛ در روایات نمونه‌هایی مانند پوشیدن بهترین لباس و استفاده از زینت مطرح شده‌اند که یقیناً این موارد واجب نیستند، از این رو دیدگاه مانع نیست. همچنین موارد مذکور در روایات، تمام وظایف زن را احصا نکرده، مثلاً نسبت به وظیفه بودن یا نبودن بارداری زن، سخنی به میان نیامده است. آیا قائلان به این نظریه، با تمسک به اطلاق این روایات، قائل به عدم وجوب می‌شوند؟

دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع و خروج از منزل»

تبیین دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع و خروج از منزل»

در این دیدگاه وظایف زوجه منحصر در دو مورد و همراه با تأکیداتی است که نوعی اطلاق در آن مشاهده می‌شود. شهید ثانی می‌فرماید: «زوجه باید در استمتاع تمکین کند و هر آنچه باعث نفرت است، از خود دور کند، چرا که از مقدمات واجب است. ... حق دوم عدم خروج از منزل زوج بدون اذن اوست؛ هر چند به منزل خانواده‌اش یا عیادت بیماران آنان برود یا بر بالین اموات و تعزیت آنان حاضر شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۳۰۸). ملاحظه می‌شود که اذن برای خروج از منزل، هیچ استثنایی ندارد. صاحب نجعه می‌نویسد: «أما الزوجة فالواجب عليها طاعة الزوج بالإجابة كلما دعاها للمواقعة أو المضاجعة وعدم خروجها من بيته إلا باذنه» (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۹: ۱۲۴). وی نیز با تعبیر «كلما» استثنایی بر پاسخ به استمتاع زوج، در نظر نمی‌گیرد.

از میان معاصران، محمد علی اراکی در هر دو مورد تأکیداتی دارد. وی معتقد است: حق زوج بنا بر روایات، دو حق خواهد بود: اول آنکه از منزل بدون اذن او خارج نشود، لذا اگر زوج او را نهی کرد، خروج حرام می‌شود. وی این حق را مطلق می‌داند، اعم از اینکه نهی شوهر به دلیل استمتاع باشد یا خیر؛ زیرا معتقد است در روایات، عدم خروج موضوعیت دارد و برای مراعات حق استمتاع نیست. دوم حق استمتاع؛ به گونه‌ای که هر

گاه مرد اراده استمتاع کرد، بر زن تمکین واجب است و حتی در روایت آمده است "ولو كان علی قتب البعیر" [حتی اگر بر پشت شتر باشد] (اراکي، ۱۴۱۳: ۲۶۰).

شیرینی زنجانی حق اذن در خروج از منزل را ذاتاً از حقوق زوج دانسته است و زن را موظف به اطاعت می‌داند. وی در تبیین دامنه این حق نگاشته است که لزوم اتباع زوج به مناط ایذاء نیست تا گفته شود اگر زوج، اصلاً متوجه خروج زوجه نمی‌شود، بلااشکال است. چنانچه اگر پیامبر دستوری بدهند و به علم عادی ندانند که این شخص مخالفت کرده، باز هم این شخص خلاف شرع کرده است. وی نظر اخیر خود را «عدم جواز خروج زوجه بدون موافقت زوج، ولو خروج زوجه به حقوق دیگر زوج لطمه‌ای وارد نکند.» اعلام کرده است (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۴: ۷۶۵۸).

آیت‌الله بهجت در پاسخ به این استفتا «زنی که نمی‌تواند زیاد غسل کند و شوهر مرتب از او درخواست نزدیکی می‌کند، چه تکلیفی دارد؟» فرموده‌اند: «باید از همسر خود در این امر اطاعت کرده و به وظیفه‌اش، هر چند تیمم هم باشد عمل کند. در پاسخ به این پرسش که «در ایام قاعدگی یا بیماری که زن میل و رغبتی به آمیزش ندارد، آیا مرد می‌تواند از او تقاضای نزدیکی بنماید (با رعایت مسائل شرعی) و آیا اطاعت از شوهر واجب است؟» پاسخ فرموده‌اند: «بله، واجب است» (تارنمای آیت‌الله بهجت).

به نظر می‌رسد این دیدگاه، قول مشهور دوره معاصر است. تقریباً تمامی مراجع تقلید در فتاوی خود تنها به همین دو مورد اشاره می‌کنند. سیستانی (سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۰۶)، سید کاظم حائری (حائری، بی تا: ۲۲۶) محمد آصف محسنی (آصف، ۱۴۲۶، ج ۱: ۸۰)، سید صادق شیرازی (شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۳۷)، صافی گلپایگانی، وحید خراسانی، محمد جواد فاضل لنکرانی، نوری همدانی و گرامی از این جمله‌اند (برگرفته از تارنمای ایشان).

نقد و بررسی دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع و خروج از منزل»

در این دیدگاه، از تعداد موارد اطاعت کاسته شده است؛ اما اطلاق در هر دو مورد، به اندازه‌ای محدودۀ اطاعت را می‌گستراند که پذیرش آن را مشکل می‌کند. اگرچه این دو مورد، قدر متیقن از وظایف زوجه به‌شمار می‌رود، لکن گستره آن محل بحث و دقت نظر است.

نقد و بررسی وجوب اطاعت در «مطلق استمتاع»

در زمینه استمتاع به لحاظ کمی و کیفی، محدودیت‌هایی در فقه وجود دارد. شبیری زنجانی روایات مربوط به اطاعت زوجه را در پنج دسته بررسی کرده است و در مقام نتیجه‌گیری می‌نویسد: این روایات دلالت ندارد که اطاعت زوج به هر شکل، به هر کیفیت، در هر حال و در هر زمان واجب است؛ چرا که مسلماً مواردی از اشکال اطاعت واجب نیست. شوهر مثل خدا و پیغمبر نیست که مثلاً بگوید شما فلان مستحب یا فلان مباح را بجا آور، اطاعتش لازم باشد، بلکه از اول که القا می‌شود مضیق فهمیده می‌شود. آنچه مسلم است اینکه اطلاق این روایات مراد نیست و مضیق اراده شده است، این روایت مقید به چه قیدی است؟ آیا در مطلق استمتاع جایز، اطاعت لازم است یا در خصوص حقوق واجبه شوهر؟ دلیلی نداریم که مربوط به مطلق استمتاع باشد، بلکه به تناسب حکم و موضوع، معنای دوم استفاده می‌شود. (شبیری، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۲۵۸ - ۱۲۵۳). ایشان مضمون روایات را تأکید بر لزوم اطاعت زوج در حقوق واجب و سنت بودن رعایت سایر حقوق می‌داند.

وجوب اطاعت مطلق از انسان معمولی، هرچند تنها در یک موضوع، معقول نیست. انسانی که لزوماً درخواست‌هایش بر اساس نیاز خود، رعایت حال فرد مقابل، لحاظ شرایط و ... نیست، به تعبیری شاید حکیمانه، منطقی و معقول تصمیم نگیرد، چگونه ممکن است مورد اطاعت مطلق باشد. شارع، حکیم است و به اطاعت از امور غیرمنطقی امر نمی‌کند. به‌علاوه این اطلاق، زندگی زن را مختل می‌کند، چرا که وی همواره باید آماده باشد، هیچ زمان و مکان و شرایطی، همسر وی را محدود نمی‌کند، از این رو حتی اگر ظاهر روایات هم اطاعت مطلق باشد، باید مورد تأویل قرار گیرد.

نقد و بررسی وجوب اذن برای «مطلق خروج از منزل»

به دلیل وجود روایات فراوان در این زمینه، تقریباً همه فقها به این مسئله فتوا داده‌اند. برخی گفته‌اند: وجوب اطاعت در مورد خروج از منزل، قطعاً مورد تسالم و اجماع فقهاست و حتی یک مخالف وجود ندارد (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۱۵). البته اختلاف‌هایی درباره دال و کم و کیف دلالت از جهات گوناگون وجود دارد. یک اختلاف در جهت حکم است. آیا اذن

واجب است یا خروج در صورت نهی، حرام خواهد بود؟ برخی معتقدند که بر اساس نصوص اگر زوج، امر به ماندن یا نهی از خروج کرد، اطاعت واجب است، اما وجوب استیذان از زوج، از روایات استفاده نمی‌شود (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۱۸).

اختلاف دوم درباره دامنۀ موضوعاتی است که برای خروج، به اذن نیاز دارند. برخی قائل به وجوب اذن برای مطلق خروج شدند. برخی دیگر با بیان سه احتمال، اطلاق را مخدوش دانسته و در گسترۀ موضوع اختلاف کرده‌اند.

احتمال اول، قضیه فی الواقعه بودن روایت عبدالله بن سنان^۱ است (شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۰). گفته شده است که یا خصوصیتی در «عهد» بین زوج و زوجه وجود داشته یا امر زوج به ماندن در خانه، واجد ویژگی خاصی بوده یا اینکه در خروج از منزل این زن که شوهر او در سفر طولانی بوده، مفسده‌ای وجود داشته است که پیامبر(ص) نسبت به آن آگاه بوده‌اند (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۲۲).

در احتمال دوم خروجی که از باب نشوز باشد، حرام است. محقق خوئی حکم «حرمت سفر بدون اذن زوج» که صاحب عروه مطرح می‌کند را نپذیرفته‌اند و توضیح می‌دهند: دلیلی بر حرمت سفر زوجه بدون اذن زوج به صورت مطلق وجود ندارد، بلکه حتی دلیل بر حرمت در صورت نهی زوجه وجود ندارد. فقط در صورتی که خروج زن موجب نشوز و منافی حق زوج باشد، حرام خواهد بود. ایشان روایات مطلق را هم بر همین صورت حمل می‌کند. وی با تعریض به قول وجوب اذن برای مطلق خروج،

۱. روایت عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) که فرمود: «إِنَّ رَجُلًا مِنْ الْأَنْصَارِ عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَىٰ امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّىٰ يَقْدَمَ قَالَ وَإِنَّ أَبَاهَا مَرِضٌ فَبَعَثَتْ الْمَرْأَةَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ وَعَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّىٰ يَقْدَمَ وَإِنَّ أَبِي قَدْ مَرِضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُوذَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَتَقَلَّ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ نَائِبًا بِذَلِكَ فَقَالَتْ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُوذَهُ فَقَالَ اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَذَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ اللَّهُ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَأَلَيْكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۱۳).

می‌نویسد که نمی‌توان گفت اگر زن پای خود را برای بیرون گذاشتن زیاله‌ها، از منزل بیرون گذارد، حرام است. در ادامه جایز می‌داند که زن هنگام غیبت شوهر به دلیل مسافرت یا حبس، جهت دیدار با نزدیکان یا زیارت امام حسین(ع) با حفظ تستر و تحفظ بر سایر جهات از منزل خارج شود و تأکید می‌کند که به هیچ وجه دلیلی بر حرمت این موارد وجود ندارد. (محقق خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۰: ۱۰۰). در میان محشّین عروه، سید عباس مدرسی یزدی (مدرسی، ۱۴۱۰: ۳۵۲)، فیاض کابلی (فیاض، بی‌تا، ج ۴: ۳۵۲) با محقق خویی موافقت کرده‌اند. مرحوم نایینی هم در اینکه مطلق سفر زوجه بدون اذن زوج، سفر معصیت باشد، اشکال می‌بیند. (نایینی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۴۳۶).

در احتمال سوم، مقصود از خروج حرام، خروجی است که منشأ فتنه و فساد باشد. شواهدی بر این احتمال مطرح است. اول آنکه در صدر اسلام محیط جامعه به قدری آلوده بوده است که بعضی از مسلمانان، به وسیله کنیزهایشان از راه نامشروع کسب درآمد می‌کردند و قرآن در آیه ۳۳ سوره نور از این کار منع فرمود. همچنین در آیه ۵۹ سوره احزاب از زنان مؤمنین می‌خواهد حجاب داشته باشند تا معلوم شود آزاد هستند و مورد آزار کفار و فساقی که به زن‌های کنیز متعرض می‌شدند، قرار نگیرند. قرآن در آیه بعد به شدت آنها را تهدید می‌کند. این موارد نشاندهنده محیط فاسد آن زمان بوده و در نتیجه، خروج زن از منزل، خوف فساد و فتنه را به همراه داشته است؛ شاهد دوم آنکه در برخی روایات پس از نهی زن از خروج بدون اذن همسر، از زینت کردن برای غیرزوج، نهی شده است؛ به آن معنا که این زینت، مقدمه عمل نامشروع است و این قرینه‌ای است بر آنکه خروجی که مقدمه روابط نامشروع باشد، مراد است. به علاوه لعن‌های شدیدی که در ادامه روایات آمده‌اند، نمی‌تواند هر خروجی مثلاً خروج برای خرید حویج خانه را شامل شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۳ - ۱۲۱).

مکارم شیرازی با اینکه خود این احتمال را مطرح می‌کند، به دلیل صدور برخی از روایات از امام صادق(ع)، حمل همه روایات بر جایی که فتنه و فساد بوده، را مشکل دانسته است و در فتوای نهایی می‌فرماید: «الاحوط لولا الاقوی خروج زن از منزل احتیاج به اذن شوهر دارد،

ولی استثنائات زیادی دارد. لکن اگر شوهر بخواهد زن را در فشار قرار دهد، ادله از اینجا منصرف و فقط برای جایی است که غرض عقلایی دارد» (مکارم، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۲).

عدم پذیرش اطلاق از سویی و نپذیرفتن مقیدها از دیگر سوی، راه سومی را به صورت بیان اصل و استثنا، هموار کرده است. مکارم شیرازی پس از صدور فتوای پیشین، استثنائاتی بر عدم خروج زوجه بدون اذن زوج، در پنج عنوان خلاصه می‌کند که عبارتند از: ۱. خروج جهت ضروریات زندگی مانند تهیه وسایل مورد نیاز یا مراجعه به پزشک؛ ۲. فعل واجبات، مانند: ادای دیون و امانات، صلۀ رحم به مقدار واجب و به طور کلی واجباتی که مقدمه آن، خروج از منزل است، مثلاً اگر شرکت در انتخابات یا راهپیمایی واجب بود، تحصیل علم واجب مانند عقاید، فروع فقهیه، مسائل اخلاقیه واجب، اگر در داخل منزل تحصیل این علوم ممکن نشد و...؛ ۳. خروج از منزل برای دفع عسر و حرج؛ ۴. شرط خروج در ضمن عقد؛ ۵. نهی زوج از باب اضرار (مکارم، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۳ و ۱۲۴). فاضل لنکرانی نیز، با قبول اصل وجوب اذن جهت خروج از منزل، هشت مورد را استثنا کرده است (فاضل، بی تا، ج ۱: ۴۳۱ و ۴۳۲).

بنابراین قطعاً منظور روایات، وجوب اذن برای مطلق خروج نیست. به گفته سبزواری این مسئله با قاعده سلطنت هم در تنافی است. وی می‌نویسد باید بحث شود، که آیا حقوقی که شوهر بر عهده زن دارد، دلخواهی است و دائرمدار خواست و اراده مطلق اوست یا اینکه بر مدار اغراض صحیح عقلایی می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۲: ۱۴۵).

دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع»

تبیین دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع»

عبارات برخی از فقیهان حاکی از وجود دیدگاه حداقلی، یعنی وجوب اطاعت زوجه صرفاً در زمینه استمتاع است. ابن‌براج می‌نویسد: «و حقوق الأزواج علی الزوجات، التمکین من الاستمتاع» با استفاده از کلمه جمع، به نظر می‌رسد تمام حقوق زوج، یک چیز و آن استمتاع است (ابن‌براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۲۵). علامه حلی نیز در قواعد الاحکام، موافق با این قول

به نظر می‌رسد (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۸۹) اما در تحریر، اذن جهت خروج از منزل را نیز از وظایف زوجه می‌شمارد (حلی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۸۷). این دیدگاه در میان معاصران نیز قائلانی دارد. سبزواری تصریح کرده است: «همه حق زوج، در زمینه استمتاع است و حق دیگری بر زوجه ندارد تا بتواند مطالبه کند یا بر زن واجب باشد که اطاعت نماید». البته ایشان نیز معتقد است که زوجه برای خروج از منزل، به اذن زوج نیاز دارد، اما آنها را از قبیل حکم می‌داند نه حق (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵: ۲۰۱).

نقد و بررسی دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع»

با توجه به عبارت سبزواری از یکسو و ادعای اجماع در مسئله وجوب اذن برای خروج از منزل از سوی دیگر، احتمال الحاق برخی از قائلان این نظریه، به دیدگاه پیشین وجود دارد. در این صورت نقدهایی که بر دیدگاه سابق وارد شد، در اینجا نیز وارد خواهد بود. اما اگر بتوان این دیدگاه را مستقل دانست؛ در نقد آن می‌توان دو جهت را در نظر گرفت. در جهت اول اطلاق اطاعت در زمینه استمتاع است که نقد آن در دیدگاه پیشین گذشت و جهت دوم درباره کاستن بیش از حد موارد وجوب اطاعت است، در واقع این قول مناسب ازدواج متعه بوده، همان‌طور که فقها، برای زنی که به نکاح متعه درآمده، اذن جهت خروج از منزل را لازم ندانسته‌اند و فقط زوجه را در محدوده شرایطی که در هنگام عقد مطرح شده است، موظف به تمکین در استمتاع دانسته‌اند. در حالی که در ازدواج دائم، حکمت نکاح اقتضائات دیگری دارد. در نظر قائلان این دیدگاه، نکاح به منزله یک قرارداد محض دیده شده است که در آن زن در مقابل مهریه و نفقه، اجازه استمتاع را به همسر می‌دهد. در حالی که نکاح معامله محض نیست و جنبه‌ای از عبادت را نیز دارد. به علاوه در خانواده بحث از ریاست و مشاوره مطرح می‌شود، یعنی مسیری برای خانواده در نظر گرفته شده است که برای پیمودن آن مسیر، باید راهبری و هدایت اتفاق افتد. با این تصویر آیا ممکن است زن فقط نیازهای جنسی مرد را برآورد و موظف به انجام دادن هیچ‌یک از دیگر درخواست‌های او نباشد؟!

دیدگاه «تعیین حدود اطاعت بر پایه معیار منافات با حقوق زوج»

تبیین «تعیین حدود اطاعت بر پایه معیار منافات با حقوق زوج»

این دیدگاه به جای شمارش حقوق، معیار ارائه کرده است. منظور از منافات با حقوق زوج در کلمات بیشتر فقها، منافات با حق استمتاع بوده، اگرچه برخی منافات با حق اذن جهت خروج را نیز در نظر دارند. شاید این نظریه، فرعی بر دیدگاه سابق تلقی شود؛ به این ترتیب که اطاعت در زمینه استمتاع مطلقاً واجب است؛ در نتیجه هر کاری که منافای آن باشد، باید با اذن زوج صورت بگیرد. لیکن می‌توان این دیدگاه را مستقل دانست، به این دلیل که اولاً در مواردی که ممکن است از نظر برخی حکم به حساب آید نه حق، ملاک در اختیار قرار می‌دهد و ثانیاً در مقابل دیدگاه‌های مطلق پیشین، محدوده مشخص می‌کند. از طرف دیگر دیدگاه سابق، محدوده اطاعت را کاسته و به استمتاع منحصر کرده است، اما این دیدگاه در ظاهر خود گستردگی بیشتری دارد، زیرا، زن موظف است در هر کاری، منافات یا عدم منافات با حق زوج را بررسی کند.

فقها در مسائل گوناگونی از قبیل روزه مستحبی زوجه، اجاره، اعتکاف، خروج از منزل، نذر وی و غیره به این ملاک توجه کرده‌اند. این قول در برابر کسانی است که در این موارد، مطلقاً اذن زوج را معتبر دانسته‌اند.

برخی در بحث روزه مستحبی زوجه، معتقدند که تنها در صورتی که مانع از استمتاع زوج بشود، جایز نیست. «در معتبر و منتهی بر اشتراط اذن زوج، این‌گونه استدلال شده است که زوجه با روزه گرفتن، زوج را در معرض چیزی قرار می‌دهد که مانع از استمتاع است؛ لذا اگر شوهر اراده استمتاع کند، روزه برای زن مشروع نخواهد بود، مگر اینکه زوج رضایت دهد» (خوانساری، ۱۳۱۱: ۴۶۱).

در عروه‌الوثقی نیز روزه زوجه در صورت مزاحمت با حق زوج باطل دانسته شده است، برخی در شرح آن با بررسی اقتضای قاعده و روایات، در نهایت معتقد شده‌اند: «حق آن است که روزه زن صحیح است، زیرا منافع او ملک خودش می‌باشد و با ازدواج از ملکیتش خارج نمی‌شود، مانند اولاد نسبت به والدین و نه مانند مملوک نسبت به مولا یا

اجیر نسبت به مستأجر. به این دلیل هیچ مانعی وجود ندارد که زن در نفس و مال خود، به اقتضای سلطنتش تصرف کند، مگر اینکه مزاحم حق زوج یا حق دیگری شود. اخباری هم که دلالت بر منع روزه مستحبی زن می‌کنند، بر جایی که مزاحم حق زوج باشد، حمل می‌شوند» (آملی، ۱۳۸۰، ج ۹: ۱۰۷ - ۱۰۵).

محقق کرکی در مسئله اجاره زن می‌نویسد: شیخ مطلقاً قائل به منع شده است و احتجاج نموده به اینکه زوجه، منافع خود را در عقد نکاح قرار داده است؛ پس جایز نیست که خود را در عقد دیگری قرار دهد، زیرا به حقوق زوج اخلال خواهد شد. در ادامه پس از نقل مصنف در کتاب مختلف که تفصیلی بر مبنای ایجاد منع از حقوق زوج و عدم آن دارد، به اشکالی در آن زمینه می‌پردازد: اشکال آن است که تمام اوقات زن محل استمتاع زوج است و زن مستغرق است در اینکه زوج استحقاق او را دارد؛ بنابراین تصور نمی‌شود که بتواند خود را برای عملی بدون اذن زوج، اجاره دهد. ایشان در پاسخ می‌فرماید: اگرچه چنین است؛ اما رویه عادی ثابت کرده، زوج تمام اوقات را مستغرق در استمتاع نیست، خصوصاً در روز یا هنگامی که مسافر است. به علاوه معلوم است که زوج مالک تمام منافع زوجه، بلکه هیچ یک از منافع زوجه نیست و فقط حق استمتاع از او را دارد. بنابراین در زمانی که زوجه به دلیل عادت شکل گرفته یا مسافرت زوج، مطمئن است که زوج طلب تمتع ندارد، می‌تواند خود را به اجاره دهد (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۱۳۷). شهید ثانی در مسالک (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۴۱۳) و بحرانی در انواراللوامع نیز به همین مسئله معتقدند (بحرانی، بی تا، ج ۱۲: ۱۳۱).

در بحث اعتکاف زوجه هم گفته شده است که اگر ماندن در مسجد، منافی حق زوج نباشد، مانند اینکه مسجد محل سکونت او باشد، اعتکاف زن بدون اذن، بلکه با نهی زوج هم صحیح است (تبریزی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۴۶).

برخی معتقدند که خروج از منزل در صورتی که منافی حق استمتاع زوج باشد، جایز نیست و سایر افعال بدون اذن زوج جایز است، مگر اینکه با حق استمتاع منافات داشته باشد (قمی، ۱۴۲۶، ج ۱۰: ۳۱۷). فاضل لنکرانی نیز در این زمینه معتقد است که دلیل و

مستند و وجوب اطاعت در مواردی مانند نهی از خروج منزل، در صورتی که با حق استمتاع منافات نداشته باشد، ناگزیر باید ارتکاز متشرعه باشد، وگرنه دلیل لفظی معتبری از کتاب و سنت وجود ندارد، اگرچه در بعضی اخبار غیرمعتبر آمده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۸۰).

در مسئله نذر نیز برخی معتقدند که نذر زوجه بدون اذن زوج، در جایی که منافعی حقوق زوج در استمتاع از او باشد، جایز نیست (سیستانی، ۱۴۲۲: ۴۸۲).

ملاحظه می‌شود که طرفداران این دیدگاه، دغدغه حقوق زوجه را داشته‌اند و مالک بودن وی نسبت به منافع خودش، سلطنت داشتن بر نفس و مالش و محدود بودن حق زوج را متذکر شده‌اند.

بررسی «تعیین حدود اطاعت بر پایه معیار منافات با حقوق زوج»

این نظریه، گام مهمی در جهت مقید کردن اطلاق مواردی برداشته که در آنها اطاعت برای زوجه در سایر نظریات واجب شده است. مطابق این نظریه، اطلاق اطاعت در همه امور، اطلاق درباره موارد محصور در روایات و اطلاق درباره اذن برای خروج از منزل، مقید به موارد منافعی با حق استمتاع زوج می‌شود. این مورد تنها موضوعی بوده که بر اطلاق باقی مانده است و قبلاً توضیح داده شد که این اطلاق هم پسندیده نیست. همچنین گفته شد که انحصار تمام حقوق زوج در حق استمتاع، صحیح به نظر نمی‌رسد.

اشکال دیگر اینکه معیار اطاعت، با محور قرار دادن حق زوج تنظیم شده و حال زوجه در آن مراعات نشده است. برای مثال اگر عمل زن، با حقوق شوهر منافات داشته باشد، زوجه موظف به ترک است؛ هرچند برای خود او به دلایلی لازم یا مفید باشد.

دیدگاه مختار «اطاعت بر اساس معیار معروف»

تبیین دیدگاه مختار

دیدگاه «اطاعت بر اساس معیار معروف» در میان کلمات فقها مشاهده نمی‌شود، اما بر اساس ادله، اثبات شدنی خواهد بود. معروف چیزی است که مطابق حکم عقل، شرع،

فضایل اخلاقی و آداب و سنن باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۳۲). به این ترتیب معروف را همه، اعم از زوج، زوجه، اطرافیان و دادگاه می‌شناسند و در آن شرایط عمومی و شرایط خاص هر یک از زوجین را در نظر می‌گیرند، از این رو هرگز ملاک مبهمی نیست. معیار «معروف» به این معنا، به قدری متقن است که نمی‌تواند مخالفی از عقل یا شرع داشته باشد. در این دیدگاه، نه اطلاق مذموم در هر یک از نظریات سابق و نه محدود شدن تکالیف به یکی دو مورد، دیده نمی‌شود؛ بلکه زوجه موظف می‌شود که در تمامی مسائل مربوط به خانواده، در حدود متعارف، از زوج اطاعت کند.

دلایل دیدگاه مختار

آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ این آیه حقوق و تکالیف زن را بر پایه معروف بیان کرده است. یکی از تکالیف زوجه، اطاعت از زوج است که بر اساس آیه مزبور می‌توان مدعی شد: «در تمام اموری که امر و نهی زوج، به‌عنوان زوج - یعنی صرفاً در مسائل مربوط به خانواده - معروف تلقی شود، اطاعت زوجه از وی واجب خواهد بود و در اموری که معروف نباشد، بر زن اطاعت واجب نیست». گواه بر صحت این برداشت آنکه در قرآن کریم، به معیار معروف در مسائل خانواده اشارات زیادی شده و در بحث طلاق دوازده بار، در بحث نفقه (بقره: ۲۳۳)، مهریه (نساء: ۲۵) مشورت با زوجه در امور فرزندان (طلاق: ۶) و به‌طور کلی معاشرت در خانواده (نساء: ۱۹) سخن از این ملاک رفته است. از این رو اگر در زمینه اطاعت هم، این معیار مطرح باشد، بعید نخواهد بود؛

خبر سعدان بن مسلم: در این روایت درباره بیعت پیامبر اکرم (ص) با زنان از قول امام صادق (ع) آمده است: ایشان فرمود: ای گروه زنان با شما بیعت می‌کنم به اینکه به خدا شرک نوزید، سرقت نکنید، ... و لا تعصین بعولتکن فی معروف (کلینی، بی‌تا، ج ۵: ۵۲۶). همه اخبار دال بر وجوب اطاعت با همه فراوانی که دارد (اعم از روایاتی که اطاعت را به‌صورت مطلق مطرح کرده و روایاتی که در زمینه استمتاع، خروج از منزل و غیر آن، وارد شده است) امکان قید خوردن با «معروف» را دارد، هر چند فقط در یک روایت آمده

باشد. این مسئله به دلیل خصوصیت معنایی معروف خواهد بود، معروف، قیدی است که به دلیل وضوح در روایات ذکر نشده است. آنچه معروف نباشد، یعنی مورد پسند عقل، شرع، عرف و اخلاق نباشد، احترامی ندارد تا شارع آن را محترم بشمارد؛

انصراف ادله به متعارف: ادله هم در کیفیت و هم در کمیت به متعارف منصرف است. عبارت «و لو علی قتب البعیر» به معنای تأکید بر لزوم اهتمام زوجه به پاسخگویی به استمتاع زوج در زمان متعارف است. گمان نمی‌رود کسی از این عبارت، منطوق آن را متوجه شود. زمان‌هایی وجود دارد که شرع یا عرف یا شرایط ویژه زوجه یا ... استمتاع زوج را نمی‌پسندد، در این مواقع که طلب کردن مرد، معقول نیست یا عرف و اخلاق نمی‌پسندد، نمی‌توان از زن انتظار داشت که اطاعت کند. نمی‌توان درخواست‌های غیرمنطقی را مورد حمایت شارع دانست. مراجع بزرگوار تقلید، تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۵: ۲۶۳)، مکارم شیرازی (مکارم، ۱۴۲۷، ج ۲: ۲۵۵)، خامنه‌ای، سیستانی، صافی گلپایگانی، نوری همدانی و محقق معاصر فاضل لنکرانی (تارنمای ایشان) تمکین غیرمتعارف را بر زن واجب ندانسته‌اند و ادله را به تمکین متعارف منصرف می‌دانند؛

توجیه روایات اطاعت

در ابتدای مقاله، چهار روایت مطرح شد که برداشت‌های مختلف از آنها در ضمن این نوشتار نقد و بررسی شدند، اما لازم است از جنبه توجیه آنها با دیدگاه مختار نیز بررسی شوند. تمام وظایف شمرده شده برای زوجه، با حذف موارد تکراری، عبارتند از: یکم) زوجه از زوج اطاعت کند و نافرمانی نکند؛ دوم) صدقه دادن و روزه گرفتن به اذن او باشد و حتی در مال خودش، بدون اذن شوهر، اقدام به صدقه، هبه یا نذر نکند؛ سوم) از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ چهارم) در هر شرایطی مانع استمتاع شوهر نشود.

مورد اول یعنی اطلاق در اطاعت، با قید معروف که در خبر سعدان بن مسلم آمده است، مقید می‌شود. به مورد اخیر نیز در انصراف ادله به معروف توجه شد. در مسئله خروج از منزل نیز، چنانکه گذشت فقیهانی که لزوم اذن برای خروج از منزل را مطرح کرده بودند، استثنائات زیادی را بر آن وارد می‌دانستند که می‌توان همه آنها را تحت عنوان «معروف» دانست؛ یعنی

زوجه موظف است در حدود متعارف، اذن بگیرد و شوهر نیز تنها در حدود متعارف می‌تواند در این مسئله دخالت کند. هر سه احتمال مطرح درباره روایات خروج از منزل، در این معنا تطبیق می‌کند. در احتمال اول، یعنی حمل بر قضیه فی الواقعه در روایت عبدالله بن سنان، می‌توان گفت که بر اساس «عهدی که زوج با زوجه داشته» معروف همان است که زوجه از منزل خارج نشود. در دو احتمال دیگر یعنی خروجی که به نشوز منجر شود، یا خروجی که منشأ فتنه و فساد باشد، یقیناً معروف نیست و دخالت زوج معروف تلقی می‌شود. مکارم شیرازی که فتوای به احتیاط صادر کرده، در انتهای فتوا نگاشته است: «اگر شوهر بخواهد زن را در فشار قرار دهد، ادله از آن منصرف و فقط برای جایی است که غرض عقلایی دارد» (مکارم، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۲). این همان معنای معروفی است که در اینجا به عنوان ملاک ارائه می‌شود.

روایاتی که متضمن نهی زوجه از صدقه، نذر، هبه و ... بدون اذن زوج هستند نیز، با این ملاک توجیه می‌شوند. با این بیان که اگرچه زن استقلال مالی دارد و با ازدواج، از بین نمی‌رود، ولی با ازدواج، هر یک از زوجین در نظام خانواده و در نقش خاص خود قرار می‌گیرد، از این رو برخی اختیارات او کاهش و برخی فزونی می‌یابد. در خانواده‌های متعارف، ریاست خانواده بر عهده زوج است. بر اساس آیه شریفه «فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً» زوج موظف است در محافظت و تربیت خانواده بکوشد. در خبری از امام (ع) در پاسخ به اینکه چگونه خانواده را از آتش نگاه دارم؟ فرمودند آنان را به اوامر خداوند امر کن و از نواهی خداوند نهی کن. اگر از تو اطاعت کردند، آنان را حفظ کردی و اگر نافرمانی کردند، آنچه بر عهده تو بوده انجام داده‌ای (کلینی، بی تا، ج ۵: ۶۲). به حکم عقل اگر شارع زوج را موظف به امر و نهی در مواردی کرده، خانواده را هم به اطاعت در آن موارد موظف کرده است. بنابراین اگر فرض شود که گاهی روزه، نذر، صدقه و ... به جهتی از جهات، مورد پسند عقل، شرع یا عرف نیست؛ مثلاً با برخی حقوق زوج در تنافی است یا به مصلحت خانواده نیست، زوج اختیار منع کردن دارد. صرف توجه به استقلال مالی زن در این موارد کافی نیست. چه بسا در هزینه کردن‌هایی که تبعات منفی در پی داشته باشد، مرد وظیفه دارد که با امر و نهی از آنها جلوگیری کند.

برخی گفته‌اند: شاید حکمت منع انفاق زوجه از مال خودش بدون اذن زوج، این باشد که زن شاید با این کار، توجه بیگانگان را به خود متوجه و قلوب آنان را جلب کند؛ بنابراین باید با مراقبت زوج و اذن وی صورت بگیرد. در واجبات مالی یا انفاق به عموم فقرا یا جهات خیریه، به دلیل فقدان چنین محذوری، به اذن زوج نیاز نیست. همچنین گفته‌اند: زوجه با نذر و یمین بر زوج سلطنت پیدا می‌کند و می‌تواند هرگاه خواست بر او تسلط بیابد و شارع این راه را بر وی بسته است (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۲۴ و ۲۷). در اینجا به نمونه‌های اشاره شده، اما از باب «حکمت» طرح شده است و این یعنی حکم همین است و تعمیم یا تخصیص پذیر نیست. اشکال هم در همین جاست که اولاً: خود نویسنده مواردی را به دلیل فقدان همین محذور استثنا می‌کند؛ ثانیاً: در مورد نذر و یمین، توجیه دیگری بیان می‌کند. در حالی که با در نظر گرفتن معیار معروف، قابلیت تعمیم و تخصیص وجود دارد. تعمیم در این زمینه شاید مخالف ظاهر فتوای فقیهان زیادی باشد. برای مثال عرف جامعه ما از زن انتظار دارند که کارهای معمولی خانه را از قبیل نظافت و غذا پختن انجام دهد. شاهد مسئله آنکه معمولاً زمان خواستگاری راجع به تمایل دختر به انجام دادن کارهای خانه نمی‌پرسند، همان‌طور که راجع به استمتاع سؤال نمی‌کنند، زیرا وقتی دختری آماده تشکیل خانواده شده است، می‌داند که در یک زندگی متعارف قرار خواهد گرفت. شاید بتوان گفت بنای هر دو طرف، بر انجام دادن کارهای معمولی خانه توسط دختر است و اگر دختر بخواهد این کارها را انجام ندهد، حتماً باید شرط ضمن عقد کند، وگرنه بعدها مشکل پیش خواهد آمد. اگرچه برخی این مورد را به صورت شرط بنایی نمی‌پذیرند (لنکرانی، بی تا، ج ۱: ۴۳۶). اما واقعیت آن است که در عرف کنونی، اداره منزل در این جهات با زن است. زن برخی کارها را خود انجام می‌دهد و در مواردی نیاز به استخدام کارگر می‌بیند. در پاسخ به استفتایی آمده است: «فضای حوایج زوج در تهیه طعام و نظیف لباس‌های وی و کار در خانه، در حد متعارف لازم است» (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۶: ۲۵۶).

نباید تصور شود که با این حکم، اجرت‌المثل کارهای زن در منزل از بین خواهد رفت؛ چرا که اصل استحقاق دریافت اجرت‌المثل، دو شرط دارد: به دستور شوهر صورت گرفته

باشد و زن قصد تبرع نداشته باشد (لنکرانی، بی تا، ج ۱: ۴۳۶). این دو شرط تقریباً در هیچ موردی حاصل نمی‌شود، چرا که زنان به صورت متعارف کارهای منزل را با قصد تبرع انجام می‌دهند و هنگام انجام دادن امور منزل، به فکر دریافت اجرت نیستند. از طرفی این حکم هیچ‌گونه امتیازی برای زن ندارد، یک حکم کلی است و به خانواده مربوط نمی‌شود، به گونه‌ای که اگر زن از شوهر انجام دادن کاری را مثلاً برای مادرش بخواهد و او قصد تبرع نکند، می‌تواند مطالبه اجرت‌المثل کند.

نتیجه‌گیری

تبع در آثار فقها حاکی از وجود پنج دیدگاه در زمینه اطاعت زوجه است؛

۱. دیدگاه «وجوب اطاعت مطلق»، مخالف سیره قطعی متشرعه و مسلمات مرتکز در اذهان و مستلزم استثنای مستهجن است. روایات این باب حمل بر استحباب یا وظیفه اخلاقی می‌شود و در مواردی از قبیل قضیه فی واقعه است؛
۲. دیدگاه «وجوب اطاعت در موارد محصور در روایات» با ایراد عدم امکان استفاده وجوب، تعارض با سایر روایات و عدم جامعیت و مانعیت روبه‌رو است؛
۳. دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع و خروج از منزل» از جهت اطلاق در هر دو مورد، نقدشدنی است. ادله نقلی بر اطلاق در این دو مورد دلالت ندارد؛
۴. دیدگاه «وجوب اطاعت در استمتاع» از جهت اطلاق در مورد استمتاع و کم کردن زیاد محدوده طاعت مخدوش است. این قول با ازدواج متعه سازگار است؛
۵. دیدگاه «تعیین اطاعت بر پایه معیار منافات با حقوق زوج» در جهت تقييد موارد اطاعت گام برداشته است. لکن علاوه بر اطلاق اطاعت در زمینه استمتاع، با محوریت حق زوج تنظیم شده و حال زوجه در آن مراعات نشده است؛
۶. دیدگاه مختار یعنی «اطاعت بر اساس معیار معروف» بر اساس سه دلیل: شریفه «وَأَلْهَنَ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ»، تقييد روایات با خبر سعدان بن مسلم با مضمون «لا تعصين بعولتك في معروف» و ادعای انصراف ادله به متعارف، این‌گونه تبیین

می‌شود: در تمام اموری که امر و نهی زوج، به‌عنوان زوج (یعنی صرفاً در مسائل مربوط به خانواده) معروف تلقی شود، اطاعت زوجه واجب خواهد بود و در اموری که معروف نباشد، اطاعت بر زن واجب نیست.

کتابنامه

- قرآن کریم.

۱. اراکی، محمد علی (۱۴۱۳ ق). رساله فی نفقه الزوجه. قم: مؤسسه در راه حق.
۲. اردبیلی، احمد (بی تا). زبده البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفرية.
۳. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ ق). وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. آملی، محمد تقی (۱۳۸۰). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: بی نا.
۵. بحرانی آل عصفور، حسین (بی تا). الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، قم: مجمع البحوث العلمية.
۶. _____ (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: انتشارات اسلامی.
۷. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ ق). صراط النجاة، قم: دارالصدیقه الشهیده.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۹. حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸ ق). ولاية الفقيه فی حکومت الإسلام، بیروت: دارالحجّة البيضاء.
۱۰. حسینی حائری، سید کاظم (بی تا). الفتاوی المنتخبة، قم: بی نا.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. _____ (۱۴۲۰ ق). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه (ط - الحديثة)، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۳. خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۴. خوانساری، رضی الدین (۱۳۱۱). تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس، قم: مؤسسه

آل‌البيت(ع).

۱۵. خوانساری، احمد (۱۴۰۵ ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان.
۱۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). موسوعة الإمام الخوئی، قم: إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ ق). الصوم فی الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۱۸. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ ق). مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار.
۱۹. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۹ ق). دلیل تحریر الوسيلة - أحكام الأسرة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ ق). منهاج الصالحین، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۲۱. _____ (۱۴۲۲ ق). المسائل المنتخبة، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۲۲. شبیری، سید موسی (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۳. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). النجعة فی شرح اللمعة، تهران: صدوق.
۲۴. شیرازی، سید صادق (۱۴۲۷ ق). أحكام النساء، قم: انتشارات سلسله.
۲۵. صدوق، علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۶ ق). مبانی منهاج الصالحین، قم: قلم الشرق.
۲۷. طباطبایی، محمد کاظم (۱۴۱۹ ق). العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۲۹. طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶ ق). المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ ق). تفصیل الشريعة فی شرح تحریر الوسيلة - النکاح، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
۳۲. _____ (۱۴۲۶ ق). تفصیل الشريعة فی شرح تحریر الوسيلة - الصوم و

- الاعتكاف، قم: مركز فقه ائمة اطهار(ع).
۳۳. _____ (بی تا). جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم.
۳۴. فاضل هندی، محمد (۱۴۱۶ ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. فیاض، محمد اسحاق (بی تا). تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، قم: محلاتی.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا). مفاتیح الشرائع، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۷. کرکی، علی (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. محسنی قندهاری، محمد آصف (۱۴۲۴ ق). الفقه و مسائل طبیئه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. مدرسی، سید عباس (۱۴۱۰ ق). نموذج فی الفقه الجعفری، قم: کتابفروشی داوری.
۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). أحكام النساء، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۴۳. _____ (۱۴۲۷ ق). الفتاوی الجدیدة، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
۴۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.